**نامه ای از قاسم غنی درباره اصل فرمان مشروطیت**

اولین بار که نامه دکتر قاسم غنی را در باب اصل فرمان مشروطیت خواندم، چندان به نظرم جالب نیامد. اما خود مسئله، یعنی اصل فرمان مشروطیت، فکرم را به خود مشغول کرد. در کتاب قباله‏های تاریخی (گردآورده آقای ایرج افشار)، عکس اصل فرمان را یافتم. همچنین در این باب از آقای دکتر ایرج افشار استفسار شد که وی اظهار داشت اصل فرمان مشروطیت در ایران نیست.

گفتنی است که سبب پرس‏وجو از آقای افشار مقاله‏ای بود که ایشان در مجموعه مقالات سواد و بیاض (تهران، کتابفروشی دهخدا، اردیبهشت 1350، ج 2، ص 186ـ178) نوشته بود. در آن مقاله از قول اللهیار صالح نقل می‏کند که وی اصلِ سند را پیش از جنگ جهانی دوم در یکی از شهرهای امریکا در دست یک امریکایی دیده است؛ و نیز در همان مقاله یادآور می‏شود که گویا دکتر غنی سالها به سراغ دوستان و آشنایان می‏رفت و اسناد و مدارک و خطوط عصر قاجاری را جمع می‏آورد. مجموعه‏ای که قاسم غنی به این ترتیب فراهم آورده بود نفیس بود و دیدنی؛ اما گویا خود آقای افشار از ریچارد فرای (مستشرق امریکایی) شنیده بود که همه آن اسناد را دانشگاه ییل (Yale) یکجا خریده است. این‏که در این میان چه اتفاقاتی افتاده و چطور شده است که این اسناد به‏جای اینکه در «بایگانی ملیِ ایران» باشد سر از دانشگاه ییل درآورده است، بهتر است در حدیث دیگران بیاید.

به هر تقدیر، روشن است که اصل یکی از اسناد فرمان مشروطیت در اختیار دکتر قاسم غنی بوده است؛ چنانکه خود ایشان در نامه به این مسئله اشاره می‏کند. این نامه را من در میان صفحات کتابی پیدا کردم که گویا زمانی متعلّق به علی‏اکبر داور، وزیر عدلیه و مالیه دوره رضاشاه، بوده است. تاریخ نامه 28 آبان 1314، یعنی حدودا یک سال قبل از خودکشی علی‏اکبر داور است. متأسفانه نام گیرنده در نامه قید نشده است. شاید یک نسخه ازاین سندِ ملی در کتابخانه مجلس شورا باشد. اگر چنین است به قول دکتر ایرج افشار حق آن است که این سند ملی و تاریخی و پرارزش در مجلس یا موزه ایران‏باستان به نمایش گذاشته شود تا آزادگان چشمشان بدان روشن شود.

هاشم بناءِپور